

دره عن ایچ کاک فکیش ما ند	هر که اندر بند نفسش فاند	او ز طلیح دخی نولا	عقل نطقا کفتم ز آدم مهم
راه شقیبسته راه مصطفی	ایده نه تقلید است نه راه نو کند	از طریق امر با برود نه	حقنما لا کفتم ال صلوح لند
از ره نو عهد حق نشو با خبر	راه احمد نو عهد ال بصر	روح پاکش رحمته للعا لمین	آدم صحنه ندیدر ال بعین
دید در راه او کار یا رکین	بره نو عهد جانی اب رکین	لا جرم در راه صمد کور او کر	او نمسته و نمیزد ال بیخبر
در صف نشو ذرات او میدر یقین	در جمال حق جمال حق به بین	آدم و ال بدیدر ایچ	کمر نو ادیدر بیل در راه ما
تا کند قوا صحنه ایچ هر روز	اندرین راه کماله باید شکر ف	نام نو کریم ال بیس بعین	چون ندیدر آدم فاه یقین
تا که کسی پایله برودر نهاد	صد هزار از طالب ایچی کر نهاد	دره نو عهد حق ج کیش باش	ال برادر در جمال خیش باش
اندرین راه از ذکر باین فانه اند	صد هزار از خلق جبار فانه اند	تا سر در قرب رب العالمین	بکر از کفر و فتنه فکیش در بین
اندرین راه روح دل در شسته و نشو	صد هزار از عارفان در گفتگو	راه نه انست مردم جو شنند	ایچ نه راه نو سن ال طفلان بند
تا سر در نقشه مال کویا	عاشقانه آتشی زنده در کویا	شکست سوزان و دهر از فرد بین	زاد ایچ نه نیستی دیدر یقین
بیدار از شیخ و صالحش بر فروز	نقشه راه جیم در آتشی سوز	در طریق نیستی کر آ کند	خود بر سن نه در راه کمر بند
آن زمان نقاشی لایینی حکما	چون نه در نقشه اندر میما حکما	عاشقانه راه پیش عشق سنه	نفس این راه نه صد فاند
		عاشقانه ریلک کرد ایچ رو از	عشق ال بکر بیدر و نفسمت ال کور
		تا سر در بارگاه ف المین حکم	نفس ال بکر در او بنه ال کور
		ایچ سخن نه از دل آگاه دان	نفس ال بکر نه جاب راه دان

Copyright © King Fahd University